گشت مجازی

در این ستون پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را منتشر خواهیم کرد؛ بدون هیچ‌گونه توضیح و تفسیر. بازنشر این موارد هم به منزله تأیید یا رد محتوای هیچ کدام از آنها نیست.

* با وجود تجربه تلخ تصادفات جاده‌ای، سرویس‌های دانش‌آموزی در روستاها فاقد استانداردهای کافی است. عکسی از سرویس دانش‌آموزان در بشاگرد هرمزگان که از وانت برای حمل‌ونقل دانش‌آموزان استفاده می‌شود.

* سرلشکر قاسم سلیمانی در حال مطالعه کتابی از گابریل گارسیا مارکز، نویسنده مشهور کلمبیایی در هواپیما

* یک توییت جالب: یه آخوندی هم بود توی دانشگاه به دانشجوها گفت کاری نکنید بگم پرتتون کنن بیرون! وی هنوز عذرخواهی نکرده! می‌گن رئیس‌جمهور هم بوده!

* کبری آسوپار توییت کرد: وحدت خوب است، ولی وقتی قرار است پلی شود که آقایان از عذرخواهی بابت چهار سال مسیر اشتباه «بستن با کدخدا» فرار کنند، اسمش سیاسی‌کاری است، نه وحدت!

* واکنش‌های توییتی با هشتگ آقای #قرائتی:
- قرائتی ۴۰ سال است از اخلاق می‌گوید، اما دیروز وقتی از شاگرد کلاسش عذرخواهی کرد، ارزش و اثر اخلاقی این عمل بر زحمات ۴۰ساله‌اش چربید. پایدار باشی معلم
- مردم عجیبی هستیم از آقای قرائتی توقع عذرخواهی داریم، اما از ظریف و تیم مذاکرات و البته رئیس‌جمهور که به امضای کری اعتماد کردند و چنین هزینه‌ای برای نظام ایجاد کردند، توقع عذرخواهی نداریم.
- عالم خوش طینت و با معرفت، زندگی عادیش هم منبرست / عذرخواهی آقای قرائتی از مؤثرترین منبرهایش طی این سال‌ها شد.

* درخواست نیروهای شرکتی آموزش‌وپرورش کرمان از مسئولان مربوطه

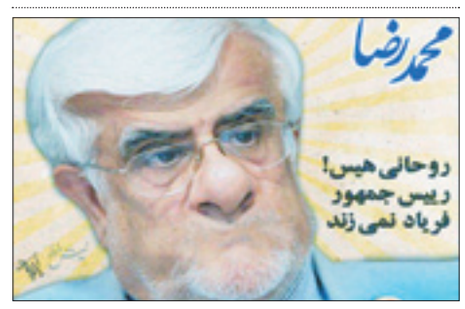

* سیدمصطفی موسوی‌نژاد: این کاریکاتور را رجانیوز، فارس، وطن‌امروز و کیهان منتشر نکرده‌اند. Snn هم که شاهدش خودمم نبوده / اصلاحات پرس منتشر کرده / چرا نقد خودی‌ها رو برنمی‌تابید؟

خبر

سرگردانی ۲۵ هزار زن باردار در میان آوارگان میانماری

شماره حساب ۹۹۹۹۹ برای کمک به مردم مظلوم میانمار اعلام شد

رضا اندام، رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال‌احمر از فراهم شدن شرایط استقرار بیمارستان صحرایی برای آوارگان میانماری خبر داد و گفت: از همین‌رو فراخوان دوم برای جمع‌آوری کمک‌های مردمی از امروز تا پنجم آبان صورت می‌گیرد.

رضا اندام در مورد اقدامات سازمان داوطلبان برای کمک‌رسانی به مسلمانان میانماری گفت: با توجه به سفری که هفته گذشته رئیس جمعیت هلال‌احمر به منطقه کاکس بازار، محل حضور آوارگان میانماری داشت، تصمیم بر این شد تا کشورمان برای کمک به این افراد بسیج شود و از همین رو فراخوان دوم برای جمع‌آوری کمک‌های مردمی از امروز تا پنجم آبان ماه امسال صورت می‌گیرد.

وی به راه‌های دیگر واریز کمک‌های نقدی نیز اشاره کرد و گفت: واریز کمک‌های نقدی به شماره کارت ۶۱۰۴۳۳۷۷۰۰۶۴۶۰۶ یا شماره حساب ۹۹۹۹۹ به نام هلال‌احمر در بانک‌های ملی، ملت، صادرات، رفاه، مسکن، دی، تجارت، سپه، شهر، آینده و رسالت از جمله راه‌های واریز کمک‌ها است. همچنین با کد USSD نیز امکان واریز کمک‌ها وجود دارد و هموطنان از طریق کد #۱۱۲*۳*۷۴۱* می‌توانند مبالغ خود را واریز کنند. رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال‌احمر در مورد وضعیت آوارگان میانماری گفت: این افراد در شرایط نامناسبی قرار دارند و فاقد کمترین امکانات هستند. بسیاری از کودکان حتی لباس برای پوشیدن ندارند و دچار مشکلات زیادی هستند. کاری که ما می‌توانیم انجام بدهیم این است که مقداری از پوشاک و مسائل تغذیه‌ای آنها را پوشش بدهیم. وی اضافه کرد: همچنین نزدیک به ۲۵ هزار خانم باردار در میان این آوارگان حضور دارند که با مشکلات اساسی تغذیه‌ای، بهداشتی و درمانی مواجه هستند.

گزارش یک

نیره ساری

نگاهی به سخنان دیروز رهبر انقلاب درباره ضرورت نخبه باوری مسئولان

مشکل نخبگان ما نخبه‌باور نبودن مسئولان است!

رهبر انقلاب دیروز بار دیگر تأکید کردند که عمیقاً و قویاً، نخبه‌باور هستند و مسئولان نیز باید باور کنند که نخبه‌ها سرنوشت کشور را تغییر می دهند

دیروز جمعی از نخبگان در دیدار با رهبر انقلاب در سخنانی دغدغه ها و پیشنهادهای خود را بیان کردند

وضعیت بسیاری از نخبگان علمی کشورمان که به‌رغم تحصیل در دانشگاه‌های کشور در نهایت امریکا را برای ادامه تحصیل، پیشرفت و زندگی برمی‌گزینند، توجه بیشتر به حفظ و بازگشت نخبگان را گوشزد می‌کند. درد آنجایی است که نخبگان جوان، ایده‌های خارق‌العاده در ذهن دارند و از همه مهم‌تر خواهان حضور در خاک کشور برای خدمت به مردم هستند، اما باورناپذیری و فقدان حمایت درست و منطقی از هر لحاظ باعث می‌شود که آنچنان آینده را غبارآلود تصور کنند که فرار را بر قرار ترجیح بدهند. حال آنکه بسیاری از کشورها ضمن تشویق به بازگشت دانشجویان و تحصیلکردگان خود در دیگر کشورها، از ظرفیت آنان در توسعه علمی و فناورانه بهره می‌برند و همین انگیزه‌ای برای بازگشت می‌شود، اما در ایران نه تنها تلاش‌های کافی صورت نمی‌گیرد و عزم مسئولان حوزه‌های مربوطه در این‌باره دیده نمی‌شود، بلکه در مقابل اعلام علاقه‌مندی نخبگانی که خواهان همکاری با کشور هستند نیز کسی سر تسلیم فرود نمی‌آورد.

ایران سرزمین نخبگان است، اما به موازات آمارهای نخبه‌پروری، از جمله کشورهایی هستیم که جزو ۱۰ کشور اول دنیا در صادرات نخبگان قرار گرفته‌ایم. یعنی فرزندان همین آب و خاکی که به امید فعالیت و پیشرفت در کشور، بهترین دانشگاه‌های کشور را برای تحصیل انتخاب می‌کنند، اما بعد از سرخوردگی از باور سایران به خود، کوله‌بارشان را به قصد غربت بر پشت می‌اندازند و کشور را ترک می‌کنند. در این میان طیف وسیعی از نخبگان سال‌ها منتظر هستند تا بالاخره یک مسئولی در یک گوشه مملکت ما، جای خالی وی را احساس کند و بعد از برآورد نیاز کشور نسبت به حضور چنین نخبگانی، شرایط را برای ورود به خاک کشور، فعالیت و حمایت آنها فراهم کند، اما این هم از همان مواردی است که بسیاری از نخبگان در آرزوی آن به سر می‌برند.

■ درددل‌های نخبگان

همین چندوقت پیش بود که یکی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه صنعتی شریف که در حال حاضر در یکی از بهترین و فعال‌ترین شرکت‌های خودروسازی انگلیس فعالیت می‌کند، تعریف می‌کرد همچنان در حال تلاش و رایزنی با مسئولان برای حضور و فعالیت در کشور است. به گفته وی متأسفانه نه تنها اشتیاقی برای حضور وی دیده نمی‌شود، بلکه پیشنهادات کاری مطرح شده از سوی ایران نه به لحاظ معنوی و نه به لحاظ مادی قابل فکر کردن هم نیست. حضور در کشور، فعالیت و پیاده کردن ایده‌های متفکرانه از جمله موارد مهم و قابل اهمیتی است که همواره در سخنان این فرد موج می‌زند، اما خود تعریف می‌کند که سایر دوستان و هم‌دوره‌ای‌های وی که در حال حاضر در کشور مشغول کار هستند، تلاش برای بازگشت را کاری عبث می‌دانند و همواره توصیه به عدم حضور می‌کنند؛ چراکه شرایط را از هر نظر غیرمطلوب می‌بینند. در این میان بنیاد ملی نخبگان، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری سه دستگاه متولی رسیدگی به نخبگان و حمایت مالی و معنوی از این نابغه‌ها و نخبگان جوان هستند. سؤال اینجاست که آیا اساساً از سوی این نهادها، شرایطی فراهم شده است تا نخبگان بتوانند به راحتی در کشورهای توسعه یافته حضور یابند و ضمن دیدن دوره‌های مختلف کوتاه‌مدت یا بلندمدت علمی، خود را برای خدمت به کشور آماده و آماده‌تر کنند؟ آیا با وجود چنین مواردی که کم هم نیستند، سرمایه‌های اصلی این کشور باور و دیده می‌شوند؟

پاسخ وقتی روشن می‌شود که نگاهی به آمارها در این زمینه داشته باشیم. بر اساس آمار «صندوق بین‌المللی پول» در سال ۲۰۰۹ ایران به لحاظ مهاجرت نخبگان، مقام اول را در میان ۹۱ کشور در حال توسعه و توسعه نیافته داشته است. سالانه ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار ایرانی تحصیلکرده کشورشان را ترک می‌کنند. نیمی از این جوانان ۲۲ ساله بوده و با هزینه شخصی برای ادامه تحصیل از کشور خارج شده‌اند. همچنین بنیاد ملی نخبگان نیز با استناد به گزارش ۲۰۱۵ مؤسسه آمار یونسکو گزارشی تهیه کرد که نشان می‌دهد ایران در تعداد دانشجویان مشغول به تحصیل در امریکا در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ رتبه یازدهم را دارد. در این رده‌بندی ایران از بین ۱۵ کشور اول دنیا از نظر تعداد دانشجو در امریکا طی سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۴، با تعداد ۱۰ هزار و ۱۹۴ نفر بعد از مکزیک رتبه یازدهم را به خود اختصاص داده و کشورهای چین و هند به ترتیب رتبه‌های اول و دوم را دارند. همچنین ۵۵ درصد دانشجویان ایرانی دارای بورسیه کامل تحصیلی دانشگاه‌های امریکا و ۲۷ درصد نیز با پرداخت کامل شهریه تحصیلی توسط خودشان در امریکا مشغول به تحصیل هستند. در گزارش بنیاد ملی نخبگان لس‌آنجلس، نیویورک- نیوجرسی شمالی، بوستون، شیکاگو و واشنگتن، مناطقی هستند که بیشترین مقاصد دانشجویان ایرانی را در امریکا به خود اختصاص می‌دهند.

جالب اینجاست که آمار خروج نخبگان از کشور از دو سال پیش تاکنون به‌روزرسانی نشده است و مسئولان هنوز آمار دقیقی از میزان خروج روزانه دانشجویان ندارند، چراکه به اذعان آنها برخی دانشجویان ایرانی از خروج خود اطلاعی نمی‌دهند.

■ جای خالی نخبگان در سیستم‌های تصمیم‌گیری

البته پیش از این فرهادی در قامت وزارتخانه‌ای که اکنون چند ماهی است سایه سرپرست را به خود دیده است، گفته بود: مصوبه‌ای تصویب شد تا نخبگانی که در خارج از کشور تحصیل کرده‌اند، هنگامی که بازگشتند از طریق بنیاد نخبگان جذب و در هیئت علمی دانشگاه‌ها حضور پیدا کنند.

نکته جالب توجه اینجاست علاوه بر این مهم ورود نخبگان به سیستم‌های تصمیم‌گیری یا حضور در اتاق فکر برای تبادل‌نظر است که نبوغ فکری آنها را شکوفا می‌کند و همین نخبه پذیری و باوری بوده که شروعی برای تغییر در بدنه جوان‌پروری در سطوح مهم را کلید می‌زند که قطعاً بازتاب آن بی‌نهایت شگفت‌آور خواهد بود؛ موضوعی که توجه چندانی بدان نمی‌شود. روز گذشته رهبر انقلاب اسلامی، در دیدار صدها نفر از نخبگان جوان و استعدادهای برتر علمی، جوانان نخبه میهن را مایه امید به آینده درخشان ایران خواندند و در بخشی از سخنانشان گفتند: «من عمیقاً و قویاً نخبه‌باور هستم و مسئولان نیز باید باور کنند که نخبه داریم و این نخبه‌ها می‌توانند سرنوشت کشور را تغییر دهند.»

توجه نکردن به همین سرمایه‌های باارزش باعث شده تا امثال میرزاخانی‌ها مورد باور و حمایت قرار نگیرند و نخبگان همچنان فضای ذهنی و واقعی زندگی خود را در خارج از کشور بگسترانند.

گزارش ۲

زهرا چیذری

سلامت دست‌نیافتنی‌تر شد

مصوبه دیروز هیئت دولت برای واگذاری ۱۰ درصدی سلامت به بخش خصوصی، بازار سرمایه‌ای گسترده‌ای را پیش‌روی سهامداران اصلی که بیشتر آنان مسئولان بهداشت و درمان کشور هستند قرار می‌دهد

صاحبان و سهامداران بخش خصوصی یعنی بخش قابل توجهی از مدیران بهداشت و درمان، درصد قابل توجهی از اعضای شورای عالی بیمه و تعداد زیادی از نمایندگان مجلس با تصمیم روز گذشته هیئت دولت که پیشتر در مجلس هم به تصویب رسیده بود، بازار سرمایه‌گذاری گسترده‌تری پیش رو دارند. اصول سوم، بیست و نهم و چهل و سوم قانون اساسی، تأمین بهداشت و درمان برای مردم را یکی از وظایف دولت‌ها برمی‌شمارد با وجود این، روز گذشته هیئت وزیران در جلسه‌ای به ریاست جمهور آیین‌نامه اجرایی مربوط به واگذاری تا سقف ۱۰ درصد خدمات و فعالیت‌های تصدی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به بخش غیردولتی را در سال ۱۳۹۶ به تصویب رساند. واگذاری تدریجی سلامت به عنوان یکی از وظایف حاکمیتی به بخش خصوصی در حالی صورت می‌گیرد که با اجرایی شدن چنین رویکردی دسترسی بخش‌های مهمی از جامعه به سلامت از گذشته محدودتر خواهد شد.

هم‌اکنون نیز سال‌هاست بخش خصوصی در کنار بخش دولت در حوزه سلامت به ارائه خدمت مشغول است، اما هزینه‌های بالای این بخش در کنار نقش‌آفرینی ضعیف و ناقص بیمه‌ها موجب شده تا بخش اعظم مردم جامعه یا از سلامت خود چشم‌پوشی یا به بخش دولتی مراجعه کنند. خلاصه کلام اینکه عامه مردم که در طبقات متوسط و ضعیف جامعه می‌گنجند با واگذاری سلامت به بخش خصوصی باید از سلامت خداحافظی کنند و شاید درک چنین موضوعی برای نمایندگان مجلس که اواخر سال گذشته وزارت بهداشت و درمان را موظف به واگذاری ۱۰ درصد از فعالیت‌های دولتی خود در سال ۹۶ به بخش غیردولتی کردند، قابل درک نباشد؛ چراکه بسیاری از نمایندگان و مسئولان از فعالان و سهامداران بخش خصوصی‌اند.

■ تلاش برای واگذاری خدمات به بخش خصوصی

وزارت بهداشت به دنبال واگذاری خدمات سلامت به بخش خصوصی است؛ این جمله‌ای است که بارها سیدحسن قاضی‌زاده هاشمی، وزیر بهداشت از همان ابتدای وزارتش در دولت یازدهم بر آن تأکید کرده بود و این اتفاق در دولت یازدهم با واگذاری بخش دیالیز و همچنین واگذاری نظارت بر بیمارستان‌ها به بخش خصوصی کلید خورد؛ تجربه‌هایی که اتفاقاً با حواشی زیادی مواجه شد و نمی‌توان آن را موفق دانست.

اقدام وزارت بهداشت برای عقد قرارداد با شرکت‌های خصوصی برای تجهیز و مدیریت بخش‌های دیالیز در نقاط مختلف کشور، انجمن نفرولوژی ایران را به واکنش و اعتراض واداشت. وزارت بهداشت برای واگذاری خدمات دیالیز به بخش خصوصی مناقصه‌ای برگزار و به موجب آن انجام دیالیز در کشور را به پنج شرکت خصوصی واگذار کرد که به ادعای متخصصان حوزه نفرولوژی نه‌تنها شرکت‌های مدنظر صلاحیت ندارند، بلکه این مناقصه با ابهامات فراوانی روبه‌رو و ردپای رانت در آن مشهود بود. وزیر بهداشت در پاسخ به سؤالی درباره انتقاد انجمن نفرولوژی نسبت به واگذاری بخش‌های دیالیز به بخش خصوصی اینگونه توضیح داد: طبق قانون هم وزارت بهداشت و هم بیمه‌ها باید خریدهای راهبردی داشته باشیم و این سیاست را باید در همه بخش‌ها دنبال کنیم. باید توجه کرد که کار وزارت بهداشت، تصدی‌گری نیست؛ چراکه اگر تصدی‌گری کند هم خدمات گران می‌شود و هم مدیریت‌شان آنطور که مردم انتظار دارند، نیست. بنابراین اقدام درست این است که خدماتی با کیفیت بهتر و قیمت پایین‌تر را از بخش خصوصی خریداری کنیم. بنا به تأکید هاشمی وظیفه وزارت بهداشت تصدی‌گری نیست، بلکه مدیریت و نظارت است. سال گذشته معاون درمان از واگذاری وظیفه حاکمیتی وزارت بهداشت یعنی نظارت بر بیمارستان‌ها به بخش خصوصی خبر داد. در حالی که هیچگاه نظارت به بخش خصوصی واگذار نمی‌شود. چنین خبری نشان داد تنها برنامه و رویکرد حوزه سلامت واگذاری این بخش مهم به بخش خصوصی است بی‌آنکه به ابعاد و تبعات آن توجهی شود.

■ فقط برای توسعه مشارکت‌های مردمی!

در زمان حاضر حدود ۸۵۰ بیمارستان در کشور وجود دارد که حدود ۵۸۰ بیمارستان آن دولتی و در مجموعه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است. طبق آمارهای وزارت بهداشت حدود ۹۰ درصد بار بستری‌ها بر دوش بخش دولتی است و اصلی‌ترین دلیل آن ارزان‌تر بودن هزینه‌ها در این بخش است. در حوزه سرپایی اما بخش خصوصی قسمت عمده ارائه خدمات را بر عهده دارد. حالا هیئت وزیران آیین‌نامه اجرایی مربوط به واگذاری تا سقف ۱۰ درصد خدمات و فعالیت‌های تصدی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به بخش غیردولتی در سال ۱۳۹۶ را به تصویب رساند.

دولت این تصمیم را با هدف توسعه مشارکت‌های مردمی و بهره‌مندی بیشتر از ظرفیت بخش غیردولتی در امور تصدی‌گری درمان اتخاذ کرد.

به موجب آیین‌نامه مذکور، انتخاب بخش غیردولتی از بین اشخاص متقاضی، به صورت شفاف و رقابتی و از طریق احراز صلاحیت‌ها و اهلیت فنی، علمی و مالی متقاضیان با تأیید کارگروه واگذاری صورت می‌پذیرد و اطلاعات واحد قابل واگذاری حداقل یک‌ماه قبل در سامانه واگذاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اطلاع‌رسانی و منتشر می‌شود. دولت همچنین وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را موظف کرد به منظور تسهیل و افزایش توجیه‌پذیری خدمات قابل ارائه توسط بخش غیردولتی، مجوزهای لازم جهت حذف یا اضافه کردن خدمات یا فعالیت‌هایی که زمینه تکمیل ظرفیت و ارائه خدمات با کیفیت بهتر به بیماران را فراهم می‌کند، در قالب نظام سطح‌بندی خدمات ارائه کند.

■ بازتاب منافع مدیران ذینفع

هنوز بسیاری از وظایف وزارت بهداشت اجرایی نشده، پزشک خانواده و نظام ارجاع به عنوان یکی از بهترین شیوه‌های مدیریت سلامت با وجود محدودیت منابع همچنان تکلیفش نامعلوم است و ۱۱ سال است اجرای پرونده الکترونیک سلامت، شیوه دیگر مدیریت منابع و پایش سلامت مردم به تعویق افتاده است، اما مدیران سلامت اغلب از ذینفعان بخش خصوصی‌اند؛ از شخص وزیر گرفته تا مدیران دیگر. تکه‌های پازل حمایت همه‌جانبه از بخش خصوصی و افزایش ۱۸۷ درصدی تعرفه‌ها یا توقف اجرای پزشک خانواده و پرونده الکترونیک سلامت را که کنار هم می‌چینید بهتر می‌توانید بازتاب منافع ذینفعان بخش خصوصی را مشاهده کنید.

یادداشت

بیژن یانچشمه

انشای خوب وزیر برای تحول در آموزش‌وپرورش

به گفته معاون پژوهشی وزارت آموزش‌وپرورش، بطحایی، وزیر آموزش و پرورش در راستای روزآوری و بازنگری در کتب درسی با ارسال نامه‌ای به دستگاه‌های مختلف درخواست کرده است هر آنچه را برای پاسخگویی به نیازهای عمومی کشور لازم است، به این وزارتخانه ارسال کنند تا در تألیف کتب درسی مورد استفاده قرار گیرد.

وی تأکید کرده است با جمع‌آوری و تکمیل بانک اطلاعات و براساس اسناد بالادستی و نظر منتقدان، کتب مورد ارزشیابی، بازنگری و روزآوری قرار گیرد. در حقیقت این اقدام وزیر آموزش‌وپرورش در بازنگری و روزآوری مطالب کتب درسی براساس نیازهای عمومی کشور می‌تواند حفره‌های آموزشی را پر کند و آموزش‌وپرورش را در حوزه تعلیم و تربیت در راستای تعالی کشور ارتقا دهد. این اقدام وزیر آموزش‌وپرورش باید چند دهه قبل صورت می‌گرفت تا سرفصل‌های آموزشی در مراکز آموزشی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گرفت و از ناکارآمدی مطالب غیرضروری کاسته می‌شد. با این حال اگر این درخواست وزیر به صورت مستمر و با جدیت دنبال شود و همچنین صاحب‌نظران در سایر رشته‌ها و دستگاه‌ها نیز به آن اهتمام ویژه‌ای داشته باشند، می‌توان امیدوارتر بود تا تحولی عظیم در حوزه تعلیم و تربیت کشور صورت گیرد. متأسفانه در کشور ما مدرک‌گرایی و تحصیل در مقاطع مختلف آموزشی به مدرک و مدرگرایی تبدیل شده است و بسیاری از فارغ‌التحصیلان از مراکز آموزشی با دست خالی بدون هیچ مهارت و سبک زندگی از مدارس خارج می‌شوند که دامنه مشکلات از این مراکز آموزشی آغاز می‌شود و به سایر بخش‌ها تسریع پیدا می‌کند. بیکاری و نداشتن سواد حرفه‌ای در همه بخش‌ها نمونه‌ای از مدرک‌گرایی است که حاصل مراکز آموزش‌وپرورش به حساب می‌آید. بی‌توجهی به کارآمدی موضوع تعلیم و تربیت در سیستم آموزشی کشور از زمانی که دانش‌آموزان به مدرسه پا می‌گذارند، آغاز می‌شود و پس از چند دوره تحصیل در مقاطع با اخذ مدرک به پایان می‌رسد. حال نتیجه اینگونه تعلیم و تربیت را باید در جامعه مشاهده کرد. در این میان معلم و کتب آموزشی نقش بسیار تأثیرگذار و ارزشمندی در شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموزان دارند که باید به این دو مؤلفه توجه وافری صورت گیرد. استفاده از کتب درسی با سرفصل‌های آموزشی مورد نیاز دانش‌آموز و جامعه در کنار بهره‌گیری از معلمان توانمند و دلسوز می‌تواند سیستم آموزشی کشور را به پیش براند.

در این زمینه معاون پژوهشی وزیر آموزش‌وپرورش نیز معتقد است اگر بخواهیم آینده آموزش و پرورش را جست‌وجو کنیم باید همه آموزش ابتدایی را جدی بگیرند و آموزش‌وپرورش را با بنگاه کاریابی اشتباه نگیرند. براین اساس اگر دوره ابتدایی بهسازی شود، بازده بهتری خواهیم داشت. با توجه به پیشرفت موضوعات آموزشی و کاربردهای آن باید فرآیندی طراحی و اجرا شود که صلاحیت‌ها و توانمندی‌ها در مدارس و مقاطع مختلف به دانش‌آموزان ارائه شود؛ چراکه دانش‌آموزان همچون نهال‌هایی هستند که باید در گلخانه‌های آموزش‌وپرورش به بهترین شکل ممکن رشد و تعلیم و تربیت شوند تا بتوانند در جامعه فردی مفید باشند.

تغییر و تحول و ارتقای سیستم آموزشی در مقاطع تحصیلی دانش‌آموزان همچون سرمایه‌گذاری در زمان حال برای آینده است که می‌تواند در شرایط کنونی از بار مسائل و مشکلات جامعه بکاهد. در حقیقت این اقدام وزیر آموزش‌وپرورش باید در سایر مقاطع تحصیلی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی نیز به شیوه شایسته پیاده شود تا سیستم معیوب آموزشی در کشور رو به اصلاح برود.

غنی‌سازی کتب درسی براساس نیازهای تعلیم و تربیت به نوعی شتاب دادن به سوی توسعه دانامحوری است که می‌تواند جایگاه کشور را در حوزه نیروی انسانی ارتقا دهد.

سرمقاله

۳ راهبرد جدید مقابل دشمنی امریکا و اروپا اتخاذ کنید

ادامه از صفحه اول

این دومی یک سلیقه و ذوق داخلی و رقابت حزبی در امریکا است که فقط زیانش را ما می‌بینیم اما اضافه کردن برنامه موشکی و منطقه‌ای به برجام، چیزی است که اروپا با آن هماهنگی دقیقی دارد، وقتی که خانم‌ها «می» و «مرکل» دو روز پیش در یک بیانیه اعلام کردند: «موافق برجام هستیم اما باید نگرانی‌ها درباره برنامه موشکی و فعالیت‌های منطقه‌ای تهران برطرف شود.» ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه نیز پیشتر همین حرف را زده بود و شاید چون ترامپ به او گفت: «پول رنو را از ایران بگیر و حالش را ببر» برایش سخت بود که همراه آن دو زن، یک بیانیه تروئیکایی بدهند. حال باید از ذوق‌زدگان داخلی پرسید کجای این نظر رسمی اروپا با کاری که ترامپ می‌خواهد بکند، فرق اساسی دارد؟! به همین خاطر است که رهبر انقلاب تأکید می‌کنند «اروپایی‌ها باید مقابل اقدامات دولت امریکا از جمله نقض برجام- همچون تحریم‌هایی که انتظار دارند از کنگره بیرون بیاید- بایستند و از هم‌صدایی با امریکایی‌ها در مسائلی نظیر قدرت دفاعی ایران و حضور ایران در منطقه بپرهیزند چرا که ما مطلقاً هم‌آوازی اروپایی‌ها را با زورگویی‌های امریکا قبول نمی‌کنیم.»

اینجاست که برخلاف برخی همهاوایی‌های داخلی، دیپلماسی کشور در راهبردی تازه باید از اروپا بخواهد که نقش رنگین خود در موضع‌گیری‌های برجامی را پاک کند و سفره برنامه موشکی و حضور منطقه‌ای ایران را بیش از این، پیش روی ترامپ نگسترد.

توصیه سوم که نیاز به ارائه راهبرد مطلوب‌تر دارد، «حفظ عناصر اصلی قدرت ملت ایران یعنی علم، قدرت دفاعی و اقتصاد» است.

برخی از دفاعیاتی که افراد مختلف از قدرت دفاعی ایران در تقابل با حرف‌های ترامپ داشتند، اگرچه مورد استقبال همگان قرار گرفت اما چون با رویکرد گذشته و کلی این افراد تفاوت و تناقض و ضدیت‌هایی داشت، باید برای رفع تردیدها از یک اظهارنظر گذرا و ساده و گاهی دوپهلو به یک راهبرد اصلی تبدیل شود. در این راهبرد مسئولان ارشد کشور باید صراحتاً اعلام کنند که موضوع موشک‌ها از ابتدا هیچ وقت بخشی از برجام نبوده است و قدرت دفاعی و حضور منطقه‌ای ما از این پس هم نباید نه در کنار برجام و نه در هیچ موقعیت دیگری بر سر زبان اروپایی‌ها که با ما توافق کرده و صادرات پرمنفعتی را آغاز کرده‌اند، بیفتد. در غیر این صورت اگر ترامپ و اروپا بگویند «سپاه و موشک‌های ایران فلان است» و عده‌ای هم در داخل فقط بگویند «سپاه و موشک‌های ما فلان نیست» اولاً به همین راحتی «قضیه برجام» را به «قضیه موشک‌ها» تغییر داده‌ایم و از پاسخگویی درباره سرنوشت برجام طفره رفته‌ایم و ثانیاً به اروپا این نشانی را داده‌ایم که برای کاستن از نیمه زوری که برجام دارد، خوب نشانه گرفته‌اند.

قرار گرفتن مؤلفه «اقتصاد» در کنار «قدرت دفاعی» برای مسئولان داخلی این پیام را دارد که این مؤلفه‌ها باید در کنار هم حفظ شوند و اگر به سمت اقتصاد مقاومتی نروند، شاید در جاهایی ضربات اقتصادی دشمن، اراده کشور را در دفاع از قدرت موشکی سست کند، پس باید از وابستگی اقتصادی بکاهند. این پیام برای اروپا که در روابطی یک‌طرفه فقط سود اقتصادی از ما می‌برد، معنای دیگری دارد که سخن راندن از برنامه موشکی ما ممکن است فرآیند بهره‌وری آنان از اقتصاد ایران را مختل کند.

این سه راهبرد درباره موضوع «برجام و دشمنی امریکا و اروپا با ایران» باید به شکلی محکم‌تر و دقیق‌تر از گذشته اتخاذ شود با این محوریت که اروپا و امریکا «دشمن» ما هستند و تا آنجایی که دشمنی‌شان با ما مربوط می‌شود، اتحادی ناگسستنی با هم دارند که با ژست کسی مثل موگرینی، این اتحاد آسیب نمی‌بیند.